

نظم
اجتماعی

بامنه شناسی سه

پایه نوازی همی

نام دبیر: مریم یابنده جهرمی
استان فارس: شهرستان مرودشت

Lm.yabandeh@Hotmail.com

درس سوم

YABANDEH

۳

چند وقت پیش با پدرم برای تماشای شهر آورد پرسپولیس و استقلال به ورزشگاه آزادی رفتیم. از قبل، بلیت اینترنتی تهیه کرده بودیم. بعد از ماه ها انتظار، با کلی ذوق و شوق چند ساعت زودتر راهی ورزشگاه آزادی شدیم.

در راه رسیدن به ورزشگاه ، ترافیک بسیار سنگین بود ، انبوه دست فروش ها، کاسبی می کردند و منظره ناخوشایندی از زباله، غذا و میوه به چشم می خورد. اوضاع درهم و برهمی بود. به سختی وارد محوطه استادیوم شدیم و جمعیت بسیار زیاد قرمزها و آبی ها را دیدیم. با اینکه نزدیک چهارساعت به شروع بازی مانده بود، استادیوم پر شده بود. می گفتند که مردم از سحر منتظر ورود به استادیوم بوده اند. حتی بعضی ها شب قبل از شهرستان آمده بودند و بیرون استادیوم چادر زده بودند. خلاصه به سختی توانستیم جای مناسبی برای نشستن پیدا کنیم. صندلی خالی وجود داشت ولی همه برای دوستانشان نگه داشته بودند. آبی ها علیه قرمزها و قرمزها علیه آبی ها شعارهای خجالت آور سر می دادند و ... ترجیح دادیم به منزل برگردیم و بازی را از تلویزیون تماشا کنیم. هنگام برگشت از استادیوم با هم صحبت می کردیم که :

❖ چرا این همه جمعیت از ساعت ها قبل به استادیوم می آیند و منتظر می مانند تا بازی شروع شود؟

❖ چرا برخی تماشاچیان رفتارهای نا به هنجار دارند ؟ و خیلی چراهای دیگر.

❖ به راستی با وجود این همه بی نظمی چگونه برگزاری شهر آورد استقلال و پرسپولیس با این تعداد زیاد از تماشاچیان امکان پذیر می شود؟

با اینکه در ورزشگاه آزادی بی نظمی بیشتر به چشم می آید ولی نظمی هم وجود دارد که کمتر دیده می شود.

❖ چرا ما بیشتر بی نظمی را می بینیم و نظم را مشاهده نمی کنیم؟

زیرا به نظم عادت کرده ایم.

❖ در مثال ورزشگاه چه نظم هایی وجود دارند که به آنها توجه نکرده اید؟

- ✓ وسایل نقلیه عمومی برای رسیدن به مقصد وجود دارد.
- ✓ پلیس در خیابان ها حضور دارد.
- ✓ هنگام ورود به ورزشگاه نیروی انتظامی تماشاچیان را بازرسی می کند.
- ✓ همه بازیکنان در وقت مقرر در زمین بازی حضور دارند.
- ✓ بازی سر ساعت تعیین شده شروع می شود.
- ✓ بازی طبق قواعد از پیش تعیین شده انجام می شود و ...

چند مورد از بی نظمی هایی را که در زندگی روزمره به چشم می آیند را نام ببرید ؟

دانش آموزی که دیر به مدرسه می رسد.
 دانش آموزی که تکالیف خود را به موقع انجام نمی دهد.
 راننده ای که در شانه خاکی جاده رانندگی می کند .
 راننده ای که سبقت غیرمجاز می گیرد.
 مدیر بانکی که در پرداخت وام، آشنایان و وابستگان خود را در اولویت قرار می دهد،
 پزشکی که بیماران خود را در مطب منتظر می گذارد و ...

□ درحالی که دانش آموزان اغلب به موقع در مدرسه حاضر می شوند ، رانندگان اکثراً قواعد راهنمایی و رانندگی را رعایت می کنند و ... چون ما **به نظم عادت کرده ایم** نمی توانیم آن ها را مشاهده کنیم و اکثراً بی نظمی ها را می بینیم .

جامعه شناسان برای شناختن نظم، چه می کنند؟

آن ها از امور آشنا و مأنوس، «**آشنایی زدایی**» می کنند.
یعنی:

از دید یک فرد غریبه به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه می کنند و بدین ترتیب در کنار بی نظمی، نظم را می شناسند.

در مناسبات میان ما انسان ها نظم های پنهان و شگفت انگیزی وجود دارد که با هنر آشنایی زدایی امرِ مأنوس می توان آنها را کشف کرد.

❖ آیا می توانید نمونه هایی از نظم های پنهان زندگی خود و دیگران را مثال بزنید؟
عبور و مرور در خیابان - ساختمان سازی - وعده های غذایی - اقامه نماز و ...

نظم اجتماعی نتیجه چیست؟

نظم اجتماعی نتیجه قواعدی است که انسان ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته اند.

نظم یعنی چه؟

یعنی قرار گرفتن هر پدیده ای در جای خود.

□ جای پدیده ها را همین **قواعد اجتماعی** تعیین می کنند.

پیامد وجود نظم اجتماعی

نظم اجتماعی امکان پیش بینی رفتار دیگران و همکاری و ارتباط با آنها را امکان پذیر می نماید.

نظم اجتماعی باعث می شود تا ما توقعات و انتظارات معینی از دیگران داشته باشیم

اتفاقات غیرمنتظره ما را از همکاری با دیگران باز نمی دارد.

اغلب ما می دانیم که از یک راننده تاکسی، پلیس، پزشک یا معلم انتظار چه رفتارهایی را داشته باشیم و در مواجهه با آنها چگونه رفتار کنیم. گرچه ممکن است در برخی موارد دانسته های ما غلط از آب دربیاید و دیگران مطابق انتظارات رفتار نکنند و حوادثی خلاف قواعد رخ دهند.

- جامعه شناسان در شناختن نظم اجتماعی، پرسش های زیر را مورد توجه قرار می دهند:
- ۱- قواعد و هنجارهای با هم زندگی کردن چگونه به وجود می آیند؟
 - ۲- چگونه دوام می آورند؟
 - ۳- چگونه تغییر می کنند؟

آموختید که قواعد اجتماعی ارتباط ما با یکدیگر را سامان می دهند، کنش های ما را برای یکدیگر قابل پیش بینی می کنند و امکان مشارکت ما را در زندگی اجتماعی فراهم می نمایند . اکنون باید دید که خود قواعد چگونه با یکدیگر مرتبط و سازگار می شوند؟
مثلاً

قواعد مختلف اقتصادی مانند قواعد تولید، توزیع و مصرف چگونه با یکدیگر هماهنگ می شوند؟
یا قواعد اقتصادی چگونه با قواعد زندگی خانوادگی یا قواعد سیاسی هماهنگ می شوند؟
جامعه شناسان برای پاسخ به این پرسش ها، از **ساختار اجتماعی** سخن می گویند.

منظور از ساختار اجتماعی چیست؟

به ارتباط میان پدیده های اجتماعی ساختار اجتماعی می گویند .

- ساختار اجتماعی را در گروه های رسمی مانند سازمان ها بهتر می توان دید.
- در هر سازمانی حقوق و تکالیف مربوط به هر نقش و چگونگی روابط میان اعضا و... مشخص است.

منظور از نظام اجتماعی چیست؟

نظام اجتماعی یک ساختار اجتماعی پویا است.

□ اگر ساختار اجتماعی را به خودرویی تشبیه کنیم که در یک جا پارک شده است، نظام اجتماعی همان خودرو خواهد بود که موتور آن روشن شده و در حرکت است.

منظور از پویایی نظام اجتماعی چیست؟

منظور از پویایی نظام اجتماعی این است که :
بخش های مختلف آن بر یکدیگر اثر می گذارند و از یکدیگر اثر می پذیرند. نظام اجتماعی می تواند در خود هم تغییراتی به وجود آورد، همچنین در محیط خود نیز تغییراتی ایجاد می کند.

نمونه هایی از تغییرات نظام اجتماعی



برداشت روزافزون از منابع غیرقابل تجدید از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی **در محیط** ایجاد می کند.

رشد جمعیت نیز از جمله تغییراتی است که یک نظام **در خود** ایجاد می کند.

چرا نظام اجتماعی در خود و محیط تغییر ایجاد می کند؟

تا بتواند نیازهای خود را تأمین کند و خود را در بلند مدت حفظ نماید.

تبیین به چه معناست و چه نتایجی از آن حاصل می‌شود؟

تبیین، بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن .
نتایج تبیین عبارتند از :

الف) پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم به نظر می‌رسیدند در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند.
مثال :

حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود و رکود اقتصادی باعث می‌شود بیکاری در جامعه افزایش یابد.

ب) در پدیده‌هایی که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده می‌شده‌اند، روابط جدیدی طرح می‌شود.
مثال :

هرچه همبستگی اجتماعی میان افراد یک گروه بیشتر باشد انحرافات اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد.

نکته :

در اوایل قرن ۱۹ به دلیل محدود شدن دانش علمی به دانش تجربی ، فقط آن دسته از روابط علت و معلولی که با روش حسی و تجربی به دست آمده بود ، دانش علمی و معتبر به شمار می‌آمد .

در اوایل قرن ۱۹ چنین می پنداشتند که دانش علمی، تنها دانشی است که با روش حس و تجربه (علوم تجربی) به دست آید. به همین دلیل جامعه شناسی در آغاز شکل گیری خود سعی کرد به علوم طبیعی به ویژه « علم فیزیک » نزدیک شود.

نکاتی در مورد جامعه شناسی تبیینی



زیرا:

- بنیان گذار جامعه شناسی پوزیتیویستی **آگوست کنت** بود .
- آگوست کنت ابتدا نام **فیزیک اجتماعی** را برای این رشته برگزید .
- این رویکرد جامعه شناسی را در زمره **دانش های ابزاری** قرار می دهد .
- موضوع جامعه شناسی تبیینی پدیده های اجتماعی مانند پدیده های طبیعی هستند
- هدف جامعه شناسی تبیینی **پیش بینی ، پیشگیری و کنترل جامعه** از طریق شناخت نظم اجتماعی می باشد .
- روش مطالعه در جامعه شناسی تبیینی **روش حسی و تجربی** است .

❖ آیا تا به حال فکر کرده اید که چه اتفاقی می افتد که چندتکه فلز و مقداری سوخت به حرکت در می آیند؟

بر اساس قوانین مکانیک، اگر مقداری سوخت را در یک محفظه فلزی به شکل متراکمی پخش کنیم و با جریان الکتریسیته، جرقه ای در آن ایجاد نماییم، سوخت منفجر شده، نیرو تولید می کند و با انتقال این نیرو از طریق اهرم های فلزی به چرخ ها، خودرو حرکت می کند. به عبارت دیگر، خودرو زمانی حرکت می کند که اجزای مختلف آن با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته باشند.

ما هنگام استفاده از خودرو معمولاً به نظم میان اجزای آن توجه نمی کنیم و از چگونگی عملکرد اجزا اطلاع دقیقی نداریم در حالی که دانشمندان با فعالیت های علمی گسترده، نظم و ترتیب میان این اجزا را شناخته و سپس کنترل کرده اند تا بتوانند از آن در ساخت خودرو استفاده نمایند. حتی تلاش می کنند با استفاده از فرمول های ریاضی و آزمایش های تجربی اجزای خودرو را به شکل بهتری در کنار هم قرار دهند و نظم کامل تری را میان آنها برقرار نمایند تا خودروی بهتری بسازند. دانشمندان سایر علوم مانند پزشکی و زیست شناسی و ... هم همین گونه عمل می کنند.

به دلیل موفقیت دانشمندان علوم طبیعی،

عده ای از جامعه شناسان (رویکرد تبیینی) علاقه مند شدند تا شباهت های

جامعه و پدیده های همچون ماشین و بدن انسان را برجسته کنند

و نظم جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزای ماشین بدانند.

از نظر آنان جوامع از انسان ها، نهادها، سازمان ها، ساختمان ها، خیابان ها، خودروها و بسیاری از عناصر دیگر تشکیل شده اند که با نظمی خاص در کنار هم قرار گرفته اند، همان طور که بدن و ماشین از اجزایی تشکیل شده اند که با نظمی خاص در کنار هم قرار گرفته اند.

در رابطه با این دیدگاه ذکر چند نکته ضروری است :

- ۱- جامعه یک موجود زنده نیست بلکه شبیه یک موجود زنده است.
- ۲- ماشین و بدن براساس قوانین طبیعی عمل می کنند ولی جامعه بر اساس قوانین اجتماعی عمل می نماید.

۱- بیرون و مستقل از انسان است یعنی انسان آن ها را پدید نیاورده است.

۲- شناخت این قوانین توسط انسان ها ، به هیچ وجه این قوانین را تغییر نمی دهد .

ویژگی ها

نقش و تاثیر انسان بر طبیعت و قوانین آن

انسان فقط می تواند این **قوانین را بشناسد** و سپس با استفاده از علوم طبیعی، تا جایی که این قوانین به او اجازه می دهند، در طبیعت و پدیده هایی مانند ماشین و بدن **تغییراتی ایجاد نماید** و آنها را متناسب با نیازها و خواسته های خود **کنترل** نماید اما **نمی تواند در این قوانین تغییر ایجاد نماید**.

جامعه شناسان تبیینی «جامعه را همچون تصور می کنند» یعنی چه ؟

یعنی جامعه دستاوردی انسانی تلقی نمی شود، بلکه واقعیتی بیرونی است که با قوانینی به **استحکام قوانین طبیعت** اداره می شود.

در صورتی که جامعه را همچون طبیعت تصور کنیم، چه پیامدی به دنبال دارد؟

در این صورت ما فقط می توانیم از دانش های ابزاری خود استفاده کنیم و جامعه و پدیده ها اجتماعی را بشناسیم اما قادر نخواهیم بود تغییری بنیادین در جامعه به وجود آوریم. نظم اجتماعی بیرون و مستقل از ما خواهد بود و باید خود را با آن تطبیق داده و سازگار کنیم. انسانها را به پیچ و مهره های نظم اجتماعی تقلیل می یابد .

انتقاد :

جامعه برخلاف طبیعت، محصول و مخلوق کنش های انسان هاست و بود و نبود آن، وابسته به انسان است.



چرا جامعه شناسان پوزیتیویست که می خواستند انسان را بر جامعه مسلط کنند، او را مغلوب جامعه ساختند؟

زیرا در این دیدگاه انسان ، صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می شود در حالی که انسان ها با موجودات طبیعی، تفاوت های بنیادی دارند.

دیدگاه جامعه شناسان تبیینی در مورد انسان

انسان ، صرفاً یک موجود طبیعی ، پیچیده تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می شود.

انتقاد :

انسان ها با موجودات طبیعی، تفاوت های بنیادی دارند.

دیدگاه جامعه شناسان تبیینی در مورد جوامع

جامعه را صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده می دانستند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها **تفاوتی کمی** می دیدند از نظر آنها برخی جوامع از برخی دیگر پیچیده ترند، در رفع نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل پیشرفته تر هستند.

دیدگاه جامعه شناسان تبیینی در مورد پیشرفت جوامع

آنها گمان می کردند که همه جوامع، مسیر یکسانی از پیشرفت را طی می کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می شوند.

انتقاد :

انسان ها می توانند جهان های اجتماعی یعنی جوامع و فرهنگ های گوناگونی پدید آورند .